

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

برگرفته از: کرادل
نویسنده: بندر هتار
برگردان: م قربانی
۲۶ اپریل ۲۰۲۵

آیا یمن راکت های خود را به سمت امارات و عربستان نشانه خواهد گرفت؟



با این که عملیات نظامی واشینگتن علیه یمن وارد دومین ماه خود می شود، خطوط نبرد یمن با قاطعیت ترسیم شده است – پرسش ها پیرامون این که آیا ریاض و ابوظبی طرف های بعدی هستند که به جنگی کشیده می شوند که نه می توانند آن را مهار کنند و نه قادرند در آن پیروز شوند، افزایش می یابد؟

جنگ امریکا علیه یمن که اکنون وارد دور دوم خود شده است، بدون هیچ دستاورد یا موفقیت مشخصی، از مرز یک ماه عبور کرده است. در عوض خطر فزاینده تشدید اوضاع در حال پدیدار شدن است – خطری که می تواند بازیگران منطقه ئی، به ویژه عربستان سعودی و امارات متحده عربی را به رویارویی مستقیم وادار کند.

با این حال، عوامل متعددی مانند آنچه سال گذشته رخ داد ممکن است چنین رویدادی را به تأخیر اندازد یا حتی از آن پیش گیری کند، دقیقاً درک این موضوع که این جنگ به کجا ممکن است کشیده شود، نیاز به درک روشنی از منطقه دارد: این که یمن چگونه به این درگیری نگاه می کند، همسایگان خلیج فارس چگونه واکنش نشان می دهند و چه چیزی می تواند باعث فوران گسترده تر یا عقب نشینی از طریق مذاکره شود.

صنعا استراتژی نظامی خود را به مقاومت غزه گره می زند

حتی در محافل غربی هم، در مورد این که جنگ یمن اکنون عمیقاً با جنگ وحشیانه اسرائیل علیه غزه در هم تنیده است، اختلاف کمی وجود دارد. واشینگتن در زمان جو بایدن، رئیس جمهور سابق امریکا، سعی کرد این دو را از هم تفکیک کند. اما واقعیت میدانی داستان متفاوتی را روایت می کند - داستانی که در آن عملیات نظامی صنعا با وقایع فلسطین همگام بود.

این ارتباط پس از آتش بس جنوری ۲۰۲۵ بین حماس و اسرائیل، که باعث توقف حملات یمن شد، آشکارتر شد - تا این که تل ابیب همان طور که قابل پیش بینی بود از اجرای تعهدات خود سرباز زد. بازگشت دونالد ترمپ، رئیس جمهور امریکا به کاخ سفید، از سرگیری حملات به یمن را به بهانه دفاع از کشتیرانی بین المللی به همراه آورد. با این حال، اگر ایالات متحده از قبل متعهد نشده بود از کشتی های اسرائیلی محافظت کند، این حملات رخ نمی داد. دولت جدید امریکا خلاف دولت پیشین، هیچ تلاش واقعی برای پنهان کردن همپوشانی بین دو جبهه انجام نمی دهد.

ستراتژی یمن از همان ابتداء روشن بود: فعالیت نظامی آن با مقاومت در غزه هماهنگ است. جناح های فلسطینی ضرب آهنگ تشدید یا آرامش را تعیین می کنند، در حالی که یمن همچنان آماده پذیرش عواقب آن است.

صنعا بهای سنگینی برای این موضع خود پرداخته است. واشینگتن مذاکرات اقتصادی بین یمن و عربستان سعودی را متوقف کرده است و در واقع عربستان سعودی را به دلیل امتناع از کنار گذاشتن حمایت نظامی خود از غزه مجازات می کند. امریکا در ازای بی طرفی، مشوق های اقتصادی ارائه داده است - پیشنهاد هایی که براحتی توسط کشورهای عربی در سرتاسر منطقه پذیرفته می شود - اما صنعا تسلیم نشده است.

یمن در رویارویی با انتخاب بین - حفظ حمایت خود از فلسطین و کان لم یکن کردن قراردادهای ملی، یا گشایش جبهه دومی با ریاض و ابوظبی - یمن تصمیم به ادامه مسیر خود گرفت.

این تصمیم ریشه در سه باور اساسی داشت: این که باید از فلسطین بدون قید و شرط حمایت شود، حتی اگر به قیمت فداکردن منافع ملی عاجل باشد؛ این که منافع سیاسی انصارالله ریشه در مخالفت با هژمونی اسرائیل دارد و لذا با هرگونه همسویی با عادی سازی روابط با خلیج فارس ناسازگار است؛ و این که یمن باید از واشینگتن و اسرائیل فرصت منحرف کردن آن با جنگ های جانبی که برای تضعیف تمرکز ستراتیژیک آن طراحی شده اند را سلب کند.

استیصال کشورهای خلیج فارس از نافرمانی یمن افزایش می یابد

ائتلاف عربی عربستان سعودی و امارات متحده عربی، از تصمیم یمن استقبال خوبی نکرد. هر دو کشور از این فرصت برای عقب نشینی از آتش بس اپریل ۲۰۲۲ و تحمیل هزینه های تنبیهی به صنعا به دلیل حمایت از غزه استفاده کرده اند.

چشم انداز به نفع هیچ یک از پادشاهی های خلیج فارس نبوده است. ابوظبی کاملاً با اسرائیل روابط را عادی سازی کرده است، در حالی که ریاض بیش از پیش به آن نزدیک تر می شود. در همین حال، یمن - که هنوز از سال ها تجاوز سعودی-اماراتی آسیب دیده است به سرعت به حمایت از فلسطین روی آورده است. تضاد نمی توانست از این آشکارتر باشد: کشور عربی که بیشترین ظلم را از سوی ریاض و ابوظبی متحمل شده است، اکنون در حالی که متجاوزان روی خود را بر می گردانند، از فلسطین حمایت می کند.

موضع یمن همچنین با صف بندی ژئوپلیتیک گسترده تر هر دو کشور خلیج فارس که عمیقاً در مدار واشینگتن قرار دارند، در تضاد است. اما استیصال آن ها عمدتاً در حد لفاظی باقی مانده است.

علی رغم نقش آن ها در اتحاد موسوم به «نگهبان رفاه»، نه عربستان سعودی نه امارات متحده عربی از زمان آغاز دور جدید حملات هوایی ایالات متحده، اقدامات نظامی عمده ای علیه یمن انجام نداده اند. در ابتداء، ریاض تلاش کرد عملیات بحری یمن در بحیره سرخ را به جنگ غزه مرتبط کند، اما این موضع خیلی زود جای خود را به صحبت های مبهم در مورد تهدید کشتی های تجاری – که به معنای عقب نشینی است – داد.

پیام سیاسی عربستان سعودی در ماه جنوری، هنگامی که از مشارکت در حملات هوایی مشترک امریکا و بریتانیا خودداری کرد، کاملاً دگرگون شد. وزارت دفاع این کشور به سرعت گزارش های مبنی بر باز شدن حریم هوایی عربستان برای حملات ایالات متحده را تکذیب کرد و بعداً از هرگونه دخالت مربوط به اسرائیل فاصله گرفت. پیام ریاض واضح بود: اکنون این کشور نمی خواهد درگیر جنگ تمام عیار دیگری با یمن شود.

مقابله یمن با سیاست بازدارندگی

علی رغم عقب نشینی عربستان از تعهدات قبلی خود، یمن به طور فعال ریاض و ابوظبی را به حفظ موضع بی طرفی تشویق کرده است. این امر نه از روی خوشبینی، بلکه از روی عملگرایی است: اجتناب از یک جنگ گسترده تر با کشورهای خلیج فارس و جلوگیری از یک انفجار خطرناک، هدف صنعا این بوده است که عربستان و امارات را از رویارویی نظامی، بسیج نیابتی یا تشدید (جنگ) اقتصادی دور نگه دارد.

این نکته آخر تقریباً در جولای ۲۰۲۴، وقتی که ریاض به دولت دست نشانده خود در عدن دستور داد تا بانک های مرکزی یمن را از صنعا انتقال دهد، تعادل را به هم زد. این یک تحریک اقتصادی آشکار – یک خط قرمز – بود. طی چند روز، عبدالملک الحوثی، رهبر انصارالله، هوشدار تندی داد و این اقدام عربستان را به عنوان بخشی از یک طرح اسرائیلی-امریکائی توصیف کرد.

او در سخنرانی ۷ جولای ۲۰۲۴ فاش کرد: «امریکائی ها در تلاشند تا شما [عربستان سعودی] را درگیر کنند و اگر شما این را می خواهید، آن را امتحان کنید ... حرکت به سمت تشدید حملات علیه کشور ما چیزی است که ما هرگز نمی توانیم آن را بپذیریم.»

او به ریاض هوشدار داد که افتادن در این دام «اشتباهی وحشتناک و شکستی بزرگ خواهد بود و حق طبیعی ماست که با هر گونه اقدام تهاجمی مقابله کنیم.»

صنعا با یک معادله بازدارنده غیرقابل انکار پاسخ داد: «بانک در برابر بانک، فرودگاه ریاض در مقابل فرودگاه صنعا، بندر در برابر بندر.»

مانور سعودی ها ممکن است آزمایشی برای سنجش عزم یمن بوده باشد، احتمالاً بر اساس این فرض که صنعا بیش از حد درگیر است – هم با ائتلاف به رهبری امریکا و هم مشکلات داخلی فزاینده – و لذا نمی تواند قاطعانه واکنش نشان دهد.

اگر ریاض این طور فکر کرده، محاسباتش غلط بود. پاسخ حوثی ها صریح و بی پرده بود: «مسأله این نیست که به شما اجازه دهیم این مردم را نابود کنید و آن ها را به سمت فروپاشی کامل سوق دهید تا هیچ مشکلی پیش نیاید. بگذار هزار مشکل پیش بیاید. بگذار تا جائی که ممکن است (مشکلات) تشدید شود.»

در ریاض و ابوظبی اشتیاقی برای جنگ بدون تضمین وجود ندارد

یک روز پس از هوشدار حوثی ها، اعتراضات گسترده ای در سراسر یمن آغاز شد. میلیون ها نفر در محکومیت تحریکات عربستان راهپیمائی کردند و واضح ترین پیام را مخابره کردند و آن این که افکار عمومی کاملاً از مقاومت حمایت می کند - و مایل به تشدید وخامت است.

ریاض این را می داند که حتی قبل از بحران اخیر، بخش عمده ای از جامعه یمن، عربستان و امارات متحده عربی را مسؤول آنچه حتی سازمان ملل متحد آن را بدترین فاجعه انسانی جهان نامیده بود، می دانستند. هرگونه درگیری جدید فقط این خشم را عمیق تر خواهد کرد.

ریاض در برابر تهدید تلافی جویانه مستقیم، از قمار بانکی خود عقب نشینی کرد. خاطره حملات گذشته یمنی ها به تأسیسات نفتی عربستان - به ویژه حملات بین سال های ۲۰۱۹ تا ۲۰۲۱ - هنوز هم رهبری عربستان را آزار می دهد.

امروز، توانائی های یمن گسترش یافته است. این کشور اکنون راکت های مافوق صوت و فناوری های پهبادی پیشرفته ای در اختیار دارد و دقیقاً به همین دلیل است که واشینگتن نتوانسته است کشور های خلیج فارس را برای جنگ جدید آماده کند. هیچ تضمین امنیتی معنا داری از سوی امریکا روی میز نیست - هیچ چیزی که بتواند از میدادن نفتی، زیرساخت های حیاتی یا خطوط کشتیرانی تجاری عربستان در برابر واکنش های متقابل محافظت کند. شکست ها پیشاپیش آشکار شده اند. ائتلاف «نگهبان رفاه» کار چندان برای متوقف کردن حملات یمنی ها به کشتی های مرتبط با اسرائیل انجام نداده است و حملات هوایی ایالات متحده نتوانسته است توانائی های یمن برای حمله به عمق اسرائیل را متوقف کند. این واقعیت های میدان نبرد، محاسبات ریاض و ابوظبی را تغییر داده است. تشدید تشنج فعلاً از روی میز برداشته شده است.

گسترش خطوط قرمز یمن

البته این بدان معنا نیست که امریکا از تلاش برای کشاندن عربستان و امارات به این جنگ دست کشیده است. دولت بایدن در این کار شکست خورد. اما تیم ترمپ تهاجمی تر به نظر می رسد و احتمال بیشتری دارد که سیستم های تسلیحاتی پیشرفته ای را در اختیار عربستان و امارات قرار دهد تا آن ها را به این کار وسوسه کند.

همچنین این تصور در میان نخبگان خلیج وجود دارد که این یک گشایش ستراتیژیک است: فروپاشی سوریه، زوال احتمالی حزب الله و تغییر پویائی منطقه ئی ممکن است دریچه ای نادر برای ترسیم مجدد نقشه باشد.

اما برای سعودی ها، یمن همچنان نگرانی اصلی است. یک کشور آزاد شده و از نظر ایدئولوژیک مخالف در مرز جنوبی آن ها یک تهدید وجودی است - نه تنها برای امنیت، بلکه برای پروژه تغییر نام فرهنگی که پادشاهی بشدت در آن سرمایه گذاری کرده است. امارات متحده نیز نگرانی های مشابهی دارد. محور مقاومت نو ظهور یمن، تصویر با دقت طراحی شده آن را به عنوان یک بازیگر منطقه ئی، هماهنگ سازی های منافع اسرائیل و غرب را تهدید می کند.

به همین دلیل صنعا نیروهای خود را به حالت آماده باش درآورده است. انصارالله تمام حرکات ریاض و ابوظبی و نیروهای نیابتی محلی آن ها را زیر نظر دارد - که بسیاری از آن ها مشتاق پیوستن به جنگ هستند. این گروه ها آمادگی خود را برای شرکت در ائتلاف بین المللی برای «حفاظت از کشتیرانی» اعلام کرده اند و پیش از این جلسات مستقیمی با مقامات نظامی و سیاسی امریکا برگزار کرده اند.

اما دولت صنعا می داند که این جناح ها بدون دستور عمل نمی کنند. اگر آن ها برای یک حمله گسترده زمینی بسیج شوند، یمن با هدف قرار دادن قدرت های پشت سر آن ها پاسخ خواهد داد. هرگونه جنگ زمینی به عنوان یک ابتکار

عمل سعودی-اماراتی تلقی خواهد شد، نه یک جنگ محلی. همین منطق در مورد حملات هوایی مجدد یا جنگ اقتصادی عمیق تر نیز صدق می کند. این ها خطوط قرمز صنعا هستند.

هوشداری برای محور عادی سازی

عبدالملک الحوثی این موضوع را به روشنی در سخنرانی خود در ۴ اپریل بیان کرد: «من به همه شما [کشورهای عربی همسایه یمن] توصیه می کنم و همزمان به شما هوشدار می دهیم: در حمایت از اسرائیلی ها با امریکائی ها همراه نشوید. دشمن امریکائی در حمایت از دشمن اسرائیلی به کشور ما تجاوز می کند. نبرد بین ما و دشمن اسرائیلی است. امریکائی ها از آن حمایت می کنند، از آن محافظت می کنند و از آن پشتیبانی می کنند. در حمایت از دشمن اسرائیلی وارد نشوید... هرگونه همکاری با امریکائی ها در تجاوز به کشور ما، به هر شکلی، حمایت از دشمن اسرائیلی است، توطئه علیه آرمان فلسطین است.» او پا را فراتر گذاشت:

«اگر با امریکائی ها همکاری کنید: یا به او برای حمله به ما از پایگاه های کشورهایتان اجازه دهید، یا از نظر مالی، یا لجستیک، یا اطلاعاتی از آنها حمایت کنید، این حمایت از دشمن اسرائیلی، طرفداری از دشمن اسرائیلی و پشتیبانی از دشمن اسرائیلی است.»

این فقط یک هوشدار نبود. یک اعلامیه ستراتیژیک بود. هر کشوری که از این خطوط عبور کند، به عنوان یک شرکت کننده فعال در جنگ – و در معرض تلافی – قرار خواهد گرفت.

این پیام نه تنها ریاض و ابوظبی، بلکه سایر کشورهای عربی و افریقائی را که ممکن است وسوسه شوند و تحت پوشش «حفاظت از ناوبری بین المللی» به این درگیری بپیوندند، هدف قرار داده است. یمن برای همه سناریو ها آماده می شود. غافلگیر نخواهد شد و این بار تنها نخواهد جنگید.

۱۵ اپریل ۲۰۲۵